

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محک باستانی

۲۲ مارچ ۲۰۱۱

پاسخ به آقای باقی سمندر سخن گوی سایت گفتمان

(۶)

متعاقب نشر بخش پنجم «پاسخ به سخن گوی سایت گفتمان» دیده شد که زنان شریف مسئول «انجمن زنان دموکرات افغانستان» چسب نشان آن انجمن را در صدر عکس وطن فروش و جانی معلوم الحال - صمدان هر - ننگ و هتک حرمت دانسته و مسلماً از سیاسیون سایت گفتمان خواسته اند تا آن نقیصه شرم آور را تصحیح نمایند. سیاسیون سایت گفتمان با تعهدی که در برابر صمدان هر دارند ، ناچار به فحواى "مال بد ریش خواند" ، اینبار عکس آقای باقی سمندر را برفرق عکس صمدان هر بر سرش نمودند. از خوانندگان ارجمند خواهشمندم تا این نکته را به عنوان شوخی برای آغاز نوشته حاضر بپذیرند . و اما ادامه زیر ذره بین گذاری چرنیاتی آقای سمندر:

(۱) " صمدان هر نه به دفاع من ضرورت دارد ونه من وکیل مدافع وی میباشم. همپنان همه آنهایی که تا حال مورد حمله شما قرار گرفته اند ، میتوانند از خود دفاع جانانه نمایند. من وکیل مدافع شخصیت خود میباشم و مدافع آزادی گفتار و بیان بودم و هستم." (۱)

آقای سمندر! نوشته شما و نوشته های جوابیه من همه در همین پورتال موجوداند و خوانندگان ارجمند می توانند بدون مشکل به خواندن دوباره آنها دست یابند. آنها حتماً ملتفت خواهند شد که آنچه را در سطور بالا وانمود می کنید ، درست نه بلکه باز هم دیده در آئی می باشد. صمدان هر نظر به سابقه شنیع و پراز فسادى که دارد آنقدر در ذالت و منافقت دست طولاً دارد که ممکن به جز از بلند گوساختن شما ضرورتی به دفاع توسط شما نداشته باشد ولی اینکه شما وکیل مدافع وی نباشید بزرگ ترین دروغی است که فقط یک «انسان» عاری از تعقل سالم و عاری از مسؤولیت می تواند عکس آن را ادعا نماید. سراسر نوشته شما از آغاز تا انجام نشان می دهد که شما یک «وکیل مدافع» سرسپرده جنایتکار و وطنفروشی چون صمدان هر و همپالگان وی هستید و باتمام نیرو و "توان فکری" تان حاضرید به عنوان

«سرباز آزادی» از وی تا پای جان دفاع نمایند. این هم دروغ محض است که من به جز از شما ، صمدان هر و محبوب الله کوشانی ، اشخاص دیگری را گویا بدون موجب مورد حمله قرار داده باشم ؛ و اگر به نظر شما چنین است پس کجاست آن «دفاع جانانه» آنها؟ راجع به شخصیت تان من قبلاً اشاره نموده ام و مکث بیشتر را لازم نمی دانم ولی این حق مسلم و انکارناپذیر شما است که «وکیل مدافع شخصیت» تان باشید و این حق را هر کس باید احترام نماید. اما اینکه شما مدافع آزادی گفتار و بیان درُکل و بدون قید و شرط بوده و هستید ، من کاملاً شک دارم زیرا از یک طرف شما بدون اینکه در نوشته اول من کوچکترین ذکری از شما شده باشد ، دیوانه وار وارد معرکه ای شدید که در آن بایست صمدان هر با من طرف می بود نه جناب شما! دیگر اینکه حمله انتقامجویانه شما به نفع سایت گفتار (صمدان هر) خود ثبوت این است که شما «مدافع آزادی گفتار و بیان» فقط تحت شرایطی هستید که مجبوریت ها و تعهدات سیاسی خودتان آن را بر شما تحمیل می نماید نه دفاع از آزادی گفتار و بیان درُکل.

۲) «اگر برای یک لحظه شما در راس قدرت سیاسی قرار داشته باشید ، رسول رحیم و کوشانی را به دار بسته مینمایید و یا هر مخالف دیگر تان را. ازینرو مبارزه برای آزادی گفتار و بیان یکی از ارکان اصلی مبارزه برای آزادی در کل است و خواهد بود. در غیر آن فرق آنهایی که بفرمان شان انسانها را در زندان قلعه موتی انداختند یا در زندان ارگ یا دهمزنگ و یا پلچرخی و یا در گذشته ها در قلعه نای یا بسردار زدند ، چه خواهد بود؟»

آقای سمندر! مخاطب شما کی است؟ باید یادآور شوم که من فقط از طرف شخص خود پاسخ می دهم و هرگاه منظور شما اشخاص دیگری باشد ، آنها خود صلاحیت جواب شما را دارند. اینکه شما فرضیه به قدرت رسیدن من و به دار آویختن رسول رحیم (باز هم تکرار می نمایم که من هیچگاه در نوشته اول خود از وی نام نبرده ام) و محبوب الله کوشانی را پیش می کشید ناشی از تصویری است که شما از واکنش صریح و قاطع من به عنوان فردی از جمله ملیون ها هموطن زجر کشیده و دادخواه من دارید. هرگاه رسول رحیم و محبوب الله کوشانی در یک محکمه مردمی روزی به خیانت و جنایت (به سان صمدان هر امروز در ذهنیت عامه کشور) متهم و محکوم شوند ، در آن صورت این یک فرد نه بلکه محکمه انقلاب به پیروزی رسیده یک ملت به پا خاسته خواهد بود که میزان کیفرات تعیین خواهد نمود - چیزی که شما و یاران گفتار با الهام از بادران غربی تان هرگز به آن اعتقاد نداشته و حتماً انقلاب واقعی توده برای تان مساوی با «آناشی» است.

اینکه باز هم شما به شاخ دیگری خیز برداشته و این بار گویا عالمانه حالی می سازید که «ازینرو مبارزه برای آزادی گفتار و بیان یکی از ارکان اصلی مبارزه برای آزادی در کل است و خواهد بود» باشد به جایش ولی مقوله عام را تراوش فکری خود جازدن نامنصفانه است. از طرف دیگر هرگاه شما واقعاً طرفدار آزادی بیان و گفتار باشید باید در عین حالی که دفاعیه رسوا ، بی ربط ، مذبحانه و پراز کذب صمدان هر را مشتاقانه و مرتب به نشر می رسانید ، باید تلاش می ورزیدید تا نه با علم کردن نام هاشم میوندوال بلکه با گرد آوردن و نشر سرگذشت قربانیان صمدان هر و دفاعیه های بازماندگان آنها ، در برابر تکذیب ها و تحریف های عمیقاً دیده در ایانه صمدان هر ، آن دفاع ادعائی تان از «آزادی گفتار و بیان» را به اثبات برسانید. البته لازم به هربار تکرار نیست که وقتی شما می گویم ، حتماً منظور خود شما نه بلکه سیاسیون تئوریست سایت گفتار و اهداف و طرح های آنها می باشد.

آقای سمندر! از آن جایی که فرضیه تبادرتان آنقدر کودکانه ، خیال پردازانه و بی اساس است که با تمام از خود بی خود بودن تان حداقل در مقایسه نمودن با «آنهایی که بفرمان شان انسانها را در زندان قلعه موتی انداختند یا در زندان ارگ یا دهمزنگ و یا پلچرخی و یا در گذشته ها در قلعه نای یا بسردار زدند» ، جرأت نتوانستید که صریحاً از شما

یادآور شوید و مبین این حقیقت است که به گفته مردم ما «خاک خشک به دیوار نمی چسبید». شما راجع به آنچه در «زندان قلعه موتی ... یادرزندان ارگ یا دهمزنگ ویا پلچرخ ویا درگذشته ها درقلعه نای یا بسردارزدند» بایست از معبود شکنجه گروجنایتکار تان - صمدازهر - سؤال نمائید زیرا این وی است که به شهادت تاریخ و مردم در «فن» شکنجه و اعدام ید طولاً دارد نه مدافع و خادم مردم چون محک باستانی! هرگاه شما عاملان جنایات رو داشته شده در آن دخمه ها را در سطح مقایسه با صمدازهر قرار بدهید ، نه تنها منطق استدلال تان از واژگونی نجات پیدا می نماید بلکه معادله مطروحه تان به عنوان یک مقایسه عادلانه مقبول همه واقع خواهد شد.

۳) " در مورد نشریه فریاد مینگارم که: از نخستین جلسه تاسیس شورای دیموکراسی وارگان نشراتی اش فریاد تا آخرین شماره فریاد من عضو شورای دیموکراسی بودم. از همین قلم نیز مطالبی در فریاد منتشر شده است. همه آنهایی که در فریاد نوشته اند، چه در داخل افغانستان ویا خارج تا جاییکه من بخاطر دارم نام اصلی یا مستعارشان در مقاله ها منتشر شده است. فریاد تنها فریاد رسول رحیم ویا از من نبود، بلکه بسیاری از انسانهای شرافتمند دیگر نیز که مقاله هایشان در افغانستان آزاد شما منتشر شده است، نیز از ته دل با فریاد همکاری بودند و شب و روز برای اشاعه فریاد زحمت میکشیدند."

آقای سمندر! اینکه شما ویا عناصر شناخته شده هم قماش شما اعضای شورای نام نهاد دموکراسی وارگان نشراتی آن "فریاد" بوده اید ، بادر نظر داشت ماهیت آن شورای نام نهاد و ثمره جانفشانی های اعضای آن که وزیر و مشاور به دول اشغالگر در افغانستان و اداره مستعمراتی ساخته آنها فراهم نمودند ، برابری پیشیزی ارزش نداشته و به عکس هرگاه شما ای از خود آگاهی در ضمیر شما و امثال گفتمانی (شورائی و "فریادی" تان) باقی مانده باشد ، آن گذشته بدنام را باید ننگ بشمارید نه افتخار! زیرا کار خیانت تان به ملت تا آنجائی کشید که امروز علناً از یک جانی و وطن فروشی که دستانش تا مرفق به خون (نه فقط یک صدر اعظم معلوم الحال ظاهر شاه) بلکه به خون افغان های آزاده سرخ است ، با تمام نیرو و امکانات فراهم آورده شده تان دفاع می نمائید!

آنچه را با شما موفق هستم این است که نه همه آنهایی که در "فریاد" می نوشتند بلکه عده ای از «از انسانهای شرافتمند» در فریاد مقاله بیرون داده اند ولی آقای سمندر! همه در آن زمان ممکن به ماهیت اصلی سیاست "شورای دموکراسی" ، اهداف پشت پرده آن و عواقب آن نوشتن ها پی نبرده بودند و احتمال دارد که امروز ازینکه به گروگانان آن روزه "شورای دموکراسی" و "فریاد" و اسیران امروزه فهرست "گفتمان" میدل شده اند ، سخت متأثر ، متأسف و حتا متنفر باشند. من از آغازین بحث همواره به همکاران شریف سایت گفتمان اشاره نموده ام و به آن اعتقاد خود پابند هستم. اینبار با عقبگرد شما به سوی "شورای دموکراسی" و "فریاد" ، اعتقاد خود مبنی بر شرافت آن اشخاص را به گذشته هم امتداد می بخشم. امید دیر یازود آن هموطنان سکوت را شکسته ، اگر ذکر همکاری خود با "فریاد" را لازم نمی دانند ، حداقل موقف همکاری امروزی خود با "گفتمان" را روشن بسازند.

۴) " پرسش من اینجاست که: چرا آنوقت که فریاد منتشر میشد و در افغانستان نیز پخش میگردد و تکثیر میشد، جمله ای در مورد فریاد ننوشتید؟ چه ریگ هایی در کفش خود آنوقت داشتید و یا حالا دارید؟

دلیلی که در آن زمان چیز زیادی در مورد افشای "فریاد" بیرون داده نمی شد این بود که بخشی از "شورای دموکراسی" وارگان نشراتی آن "فریاد" به مانند گفتمان امروز که به صورت مستقیم در کنار دشمن مردم ایستاده

است، اخذ موقع ننموده بود تا مبارزه علیه آن اولویت بیابد. امروز، سایت گفتمان به عنوان وارث "شورای دموکراسی" و "فریاد"، تضاد خلق ما با اشغالگران رامنکراست و درجهت زائل نمودن تقابل با اشغال و استعمار بسیج شده اند. ازینجاست که من امروز وارثین "فریاد" را آماج یورش دشمن سوز خود قرار داده ام. خوب است که آقای سمندریا بیخودی مشخصه شان به صورت غیر شعوری ادبیات پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» را به کار می برند: اصطلاح این قلم ویا ریگ درکفش. ریگ درکفش به دلیلی که می توان به آسانی حدس زد - نمایان بودن پربرسردزد - به دل آقای سمندرخیلی خوش خورده است که بی مورد هرچند سطری درمیان آن را به کار می گیرد. این یک نکته مثبت است که مصاف دهندگان به پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» بتوانند ضمن کینه توزی، چیزی از آن بیاموزند.

۵) "هنوز سروقت است! بفرمایید قلم بدست بگیرید و بنویسید. اگر شما وارد کارزار فکری شوید و قلم خود را در راه ترویج و تبلیغ افکار برای اعتلا و پیشرفت افغانستان و بشریت بکار ببرید، من فروتنانه از شما حمایت خواهم کرد. فراموش ننمایید که همین باقی سمندریا محک باستانی باری عضو هیات تحریریه روشنایی نیز بوده است. تصور ننمایید که ما همدیگر را نمی شناسیم. من میدانم که پوست من را در چرمگری خواهید شناخت، اگر مرا بکشند و پوست بکشند و آرمان شما برآورده گردد!

آقای سمندر! اگر کمی به خود آمده برای لحظ ای هم که شده ذهن تان را بر واقعیت های موجود - ولو برای تان بسیار دشوار باشد - متمرکز نمائید، خواهید دید که من از مدتی است قلم به دست گرفته و وارد کارزار فکری شده ام و به عوض صمدان هر و وطن فروش و جانی، شمای سرسپرده وی را در برابر خود یافته ام؛ اینکه منظور شما از "ترویج و تبلیغ افکار برای اعتلا و پیشرفت افغانستان و بشریت" چه است، من مطمئن هستم که آنهایی که این بحث را از آغاز تا حال دنبال نموده اند، به خوبی و به وضاحت به کنه افکار و گفتار شما که بدون کوچکترین شک و تردید: ترویج و تبلیغ به نفع سیاست دول اشغالگر در افغانستان و مشاطه گری اداره مستعمراتی کابل و دفاع بی و چون و چرا و جانبازانه از جنایتکاران و وطن فروشان رسوا است، حتماً پی برده اند. از جانب دیگر، نه من (و مطمئناً نه هم آنهایی که مبارزه من به ضد خیانت و وطن فروشانی را صحنه می گذارند)، به "حمایت فروتنانه" عنصری با مشخصات اسفبار شما ضرورتی ندارند بلکه آن "حمایت" را به خود هتک حرمت خواهند پنداشت.

در مورد همکاری تان به عنوان "عضو هیات تحریریه روشنایی" با این قلم، باز هم خاطر نشان می سازم که هویت اشخاص را اشتباه نموده اید چه من نه تنها هیچ گاهی با «روشنایی» همکاری نداشته ام بلکه با شما هرگز حضوری تماسی نداشته ام. و اما هرگاه آن هموطن محترم که به جای من خواسته اید بر وی تاخته و عقده های دیرینه خود و همپالگی هایتان را خالی نمائید، خود لازم بدانند، حتماً در مورد آن عضویت شما و همکاری شان در «روشنایی» روشنی خواهند انداخت. من در آن باره هیچ معلوماتی نداشته و تبصره را به خود اجازه نمی دهم.

اینکه آن شخص "پوست" شمارا روزی در "چرمگری" بشناسد، باز هم به ایشان مربوط می شود ولی یک نکته را متیقن هستم و آن اینکه همه از همین حالا "پوست" شمارا تشخیص نموده اند؛ و آن اینکه شما داوطلبانه و "سربازانه" خود را سپریک خائن جنایتکار و وطن فروش - صمدان هر - نموده اید و همان طوری که طی نزدیک به یک ماه با گوشت و پوست خود احساس نموده اید، گلوله های آتشین منطق و استدلال ضد خیانت، ضد جنایت و ضد وطن فروشانی که بایست به سینه صمدان هر ها اصابت می نمودند، در پوست ضخیم شما نشستند؛ حال خود بفرمائید و بگوئید: به جازانابینیان، کدام فرد با بصیرت و با وجدان، سوراخ یا سوراخ های آن گلوله ها را

در پوست شما نخواهد دید؟ اما اینکه کی شما را بکشد و کی گویا پوست شمارا آورد ، خلاف آنچه شما وانمود می نمائید ، به هیچوجه آرمان من (ومسلاً افراد هم فکرمن) نبوده بلکه توهین به آرمان من و آنها می باشد زیرا آرمان ما «انسان» کُشی و پوست درآوری نیست. آرمان من (وما) رهائی خلق بلادیده وحرمان کشیده ما ازدام های پی درپی اشغال ، استعمار وارتجاج می باشد. شما درینجا مانور "رقت قلب" را به کاربرده اید که فقط "رقیق القلبان" را می تواند به شور آورد ولی در حد یک تلاش عاطفی به سان فتیله نمناک زود خاموش می شود...
ادامه دارد

یادداشت:

(۱) مطالب نقل قول شده از آقای سمندر ، ویراستاری نگردیده اند. در نتیجه مسؤولیت کاستی های املائی و انشائی آن متوجه شخص آقای سمندر می باشد.

اداره پورتال AA-AA